

به نام خدا



دلانه

سرور ویسی

سرشاسه	- ۱۳۶۴	:	ویسی، سرور،
عنوان و نام پدیدآور		:	دلانه/ سرور ویسی
مشخصات نشر	.۱۴۰۱	:	تهران: گنجور،
مشخصات ظاهری	[۱۳۶]	:	۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۳۰۲-۰۹۴۰	:	
وضعیت فهرست نویسی	فیبا	:	
موضوع	۱۴	:	شعر فارسی— قرن
Persian poetry -- 20th century		:	
رده بندی کنگره	PIRA۳۶۳	:	
رده بندی دیوبی	۸۶۱/۶۲	:	
شماره کتابشناسی ملی	۸۷۷۶۰۴۷	:	



تلفن: ۰۹۱۲۰۶۱۷۲۸۳ - ۰۹۱۶۶۴۹۱۰۵۶

سایت انتشارات: www.ganjoorpub.ir

آدرس: تهران. میدان انقلاب. ابتدای کارگر جنوبی. کوچه شهدای ژاندارمری. بلاک ۱۲۷

دلازه

ترانه‌سرا: سرور ویسی

ناشر: گنجور

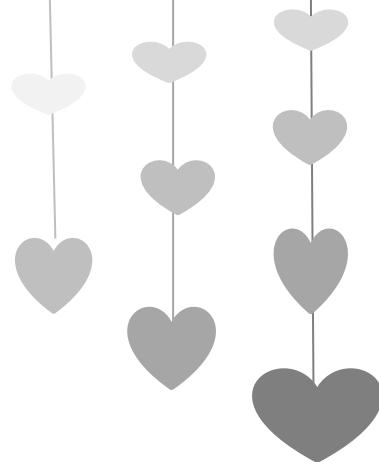
صفحه آرا: سمیه خوانین مقدم / طراح جلد: گنجور

نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۱ / شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۰۲-۰۹۴۰

قیمت: ۳۸۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ است



فهرست اشعار

۳۸	دو راهی	۷	حاشا
۴۱	شوک	۱۰	برگرد
۴۵	داغ	۱۳	خاطرات
۴۸	تو گذشته	۱۵	گپ عاشقانه
۵۱	انتخاب	۱۸	بی خبر
۵۴	دروغگو	۲۰	فرشته
۵۷	آه	۲۳	حفظ ظاهر
۶۰	احتیاج	۲۶	خدا هست
۶۳	زندون	۲۹	بیا
۶۶	ضد زن	۳۲	پشیمونی
۶۹	ترک	۳۵	بیمار

۱۰۸	کشور عشق	۷۲	مزاحم
۱۱۱	یه غریبه	۷۵	مثل تو
۱۱۵	غفلت	۷۸	ناز
۱۱۷	انتقام	۸۱	دل عاشق
۱۱۹	سفر	۸۴	کابوس
۱۲۲	داغ عشق	۸۷	ترس
۱۲۴	عطر عشق	۹۰	نرو
۱۲۷	قاتل	۹۳	فاصله‌ها
۱۳۰	دلتنگی	۹۶	من حاضرم
۱۳۳	اشتباه	۹۸	بی توأم
۱۳۵	شباخت	۱۰۱	جلوی تو
		۱۰۵	حس

حاشا

دم میزَنِم هِی اَز عشقِ

ولی دیگه چه عشقی

وقتی که رفتی اَز دل

همه چیمُ گرفتی

جایِ سُکوتِ شبُ رو

صِدای گریه گرفت

واسُه کی می‌میرم

کسی که رفته صَد حِیف

کسی که واسُه من

همیشه از عشق می گفت

دلم که عاشقش بود

برای چشمش می‌مُرد

شاید عزیزِ قَلْبِم

عشقتُ حاشا کنم

بشه یه بارِ دیگه

خودمُ پیدا کنم

خودِ گُذشتَمُ که

نمی‌دونست غم چیه

چی به سرش او مده

پریشونه غمگینه

باید واسه دلم یه

عشقِ نو پیدا کنم

هرکس بپرسه از تو

دلانه



عشقتُ حاشا کنم

حاشا کنم هرچی رو

که بین ما گذشته

حاشا کنم که قلبي

به دست تو شکسته

برگرد

(واسِه دل عاشِق)

باید په کاری کرد

عشق په باز دیگه

از تو گِدایی کرد (۲) ترجیع بند

چشم تو یادم داد

به عشق رسیدن رو

عشق تو یادم داد

مِنْت کشیدن رو

یارم چه کردي واي

آخه تو با په مرد

که زَد غُرورِش رو

دلانه

واسه تو له کرد

بی تو شبیهم به

یک روح سرگردون

برگردو من رو به

زندگی برگردون

رفتی و دورم از

آغوش گرم تو

آخ از نوازش

گیسوی نرم تو

حالم بده خیلی

بیزارم از خودم

باید تو رو راضی

به برگشتن کنم

من قلب تو رو با

یه جمله شکستم

خواهش می کنم به

بُرْگیت بِبَخْسَم

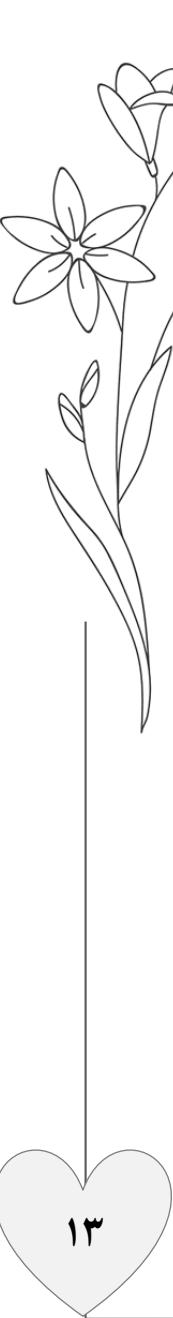
برگرد که دلتنگ

آغوشِتم عشقِم

با هر نگاهِ تو

آروم بشه قلبيم

دلانه



خاطرات

چه کنم آدم سابق بشم

دوباره بایادِت عاشق نشم

غمِ دوریت خیلی سنگینه

هرچه می‌کنم دلم غمگینه

وقتی رفتی خاطرات بی‌خودن

خاطراتی که منومی کشَن

خاطرات زنی که عشق کُشت

تویِ قلبی که واسه اون می‌مُرد

زنِ بی‌وفایی که ترکم کرد

من چه بیدفام بی تو جلو دَرد

بی تو من جلوی درد بازندَم



می‌میرم هر لحظه آخ تازنده

یاد تو می‌کشیه دل هر روز

واسه دل عاشقی مُصیبَت بود

بی تو دل عاشق من خونه

چی کرده به نبودِت مَحکومِه

دلانه

گپ عاشقانه

یه گپ عاشقانه

فقط با چشمای تو

چشیت چه با عشق میگه

به چشمam احساسیش*

یه وقتایی لازم نیس

چیزی گفت به همدیگه

با چشما حرفا به دو

دل رَدُوبَدَل میشه

انقد دوست دارم که

بایه نگاه به چشیت

خیلی راحت میتونم

دلانه

باخبر شم از دلت

عشق تویی که قلبم

عاشقیش کردى نگار

الهي سهمت از عشق

حال خوبش باشه يار

دعای يه مردی که

به دام تو اسیره

تنها اينه که غصه

سراغت نگيره

يه عالم مهربوني

توى دلت جا دادى

دوباره آشتى دادى

قلب منو با شادي



آرزومنه که زودتر

بریم به خونه بخت

عاشقوئس کنارت

عزیزم زیر یه سقف

بی خبر

تَحْمُلْ تَنْهَايِي

بدون تو سخته یار

خَسْتَم از دلتَنگی

غروب و از انتظار

بعضای اشک نشده

راه گَلُوم بسته

دردای حرف نشده

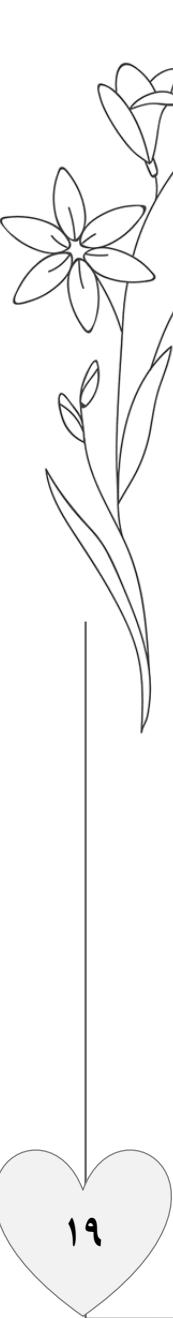
قلب منو شکسته

حسرت من گفتن

حرفای دل به توه

رفتی به کی بگم که

دلانه



قلب من از غم پره

از روزی که بی خبر

ترکم کردی سُهیلا

و برونم و می فهمم

چی کشیده زلیخا

تو اینجوری نبودی

بی خبر ترکم کنی

تو و بروني بذاریم

تو غصه غرقم کنی

پریشونم کجایی

مهمنیس یادم باشی

یه چیز واسم مهمه

همین که سالم باشی



فرشته

لحظه‌ای که دلم رو

به چشمیت باخته بودم

من از تو تویِ ذهنم

فرشته ساخته بودم

خاصیّت عشقه که

از معشوق بُت می‌سازی

با خیالِ چشمونش

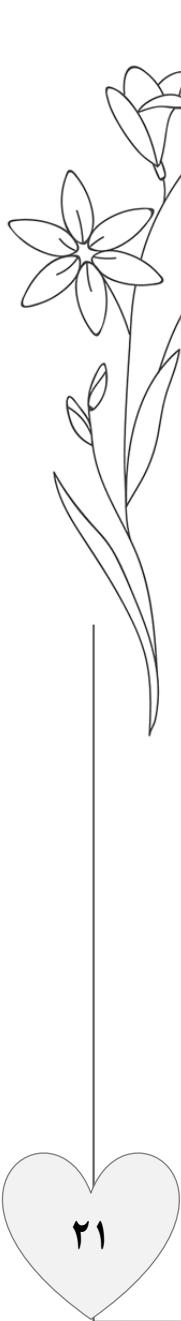
هر شب تا صب بیداری

چشمونت به رویِ

واقعیت می‌بندی

هر کی آریش بدبگه

دلانه



باش میشی بَد می جَنگی

وقتی پشیمون میشی

که واي خيلي دير شده

قلب ت تو زندون عشق

از زندگی سیر شده

تو فرشته نبودی

دل توروفرشته دید

دل عاشق خيلي دير

به اين حقيقت رسيد

دلم می خواست حقيقت

اونی باشه که می خواد

شاید به اين دليل که

به گرمات داشته نياز



از حالم می نویسم

شاید یه روز بخونی

عاشق شدی مثل من

پای عشقت بمونی

ولی مثل من آز یار

یه فرشته نسازی

حقیقت بفهمی

همه چیت ببازی

دلانه

حفظ ظاهر

تا وقتی عاشق نشی

نمی‌فهمی چه می‌گم

ترکم می‌کنی که من

از دلتانگی بمیرم

خسته شدم از بس که

دُزَدَکی تو رو دیدم

عَکِسِت هَمَش دَسْتَمِه

جلو چشمای خیسم

چرا متوجهِ

احساس دل نمیشی

من عاشقتم وُحِیف

دلانه

دل به دلم نمیدی

(چشای زیبای تو

جَذْبٌ مِّنْ كَنْهِ آدُمُ

يَه لحظه دیدَنَ تو

خوب می کنه حالم^۲) ترجیع بند

عزیزِ قلبِ عاشق

تو په کمی درکم کن

اسیرِ خنده‌هاتم

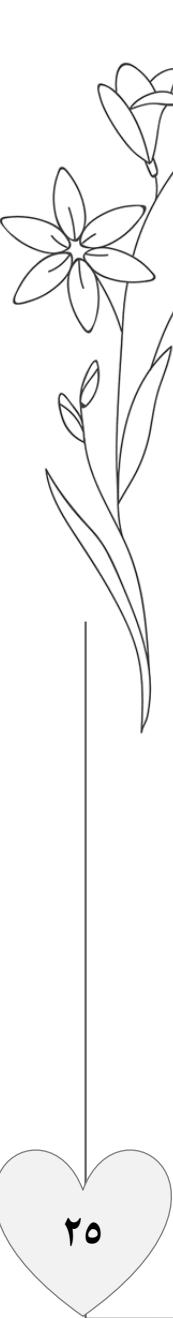
توى شادى غرقىم کن

تنها تو عشقُ دادی

به دل عشقُ ندیده

رفتار دل برای

خودِ منَم عجیبه



از لحظه عاشقی

یه مرد پریشونم

اما خبر نداری

از این دل و برونم

از لحظه دیدنت

از وقتی عاشق شدم

مجبروم پیش همه

هی حفظ ظاهر کنم

نمی خوام کسی آنگ

دیوونگی بزنه

به من آخ که عشق تو

یگانه راز منه



خدا هست

چه جوری باور کنم

حرفای تو دروغ بود

می‌گفتی عاشقتم

اما دورت شلغ بود

دل ساده عاشق

به حرفیت اعتماد کرد

به حرفای کسی که

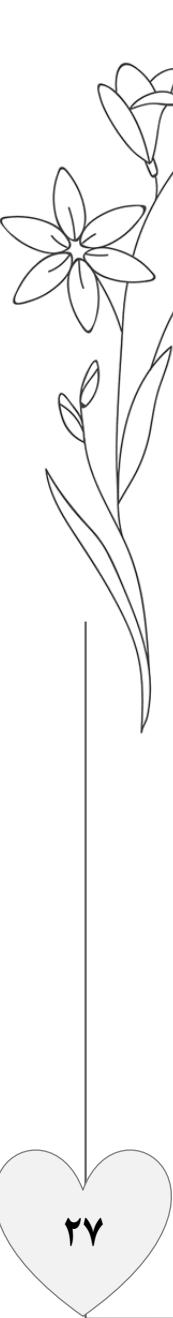
باش قطع ارتباط کرد

دل عاشق چن سال

به پای عشقت گذاشت

ازم همیش میپرسه

دلانه



بگوکه عشقم گجاست

رفتی و فکر نکردی

طِفلکی دل چی میشه

کافیه که بفهمه

از دوریت میمیره

وقتی سِرِش شُلوغه

چه جوری سَمَتم میاد

حقیقت تَلخیه

نداره به من نیاز

خدایا حالم بَدِه

صدا میزنم تو رو

به داد قلبم برس

پناه میبرم به تو



عاشق شدم آما عشق

به قلب من رحم نکرد

به دل می گم خُدا هست

فقط طاقت بیار مرد

دلانه

بیا

(بیا شِکسته‌هایِ

دِلُّ به هم وَصل بکن

دوباره رابطه

ما رو مثّ قبل بکن ۲) ترجیع بند

بیا که بی تو خیلی

از این زندگی خَسْتم

تنها تو می گُنیم

منو شبیه قَبَلِم

وقتی رسیدم با تو

به معنای علاقه

نَفْسِ کِشیدنای

دلانه

بی تو واسم عذابه

کاشکی میشد یه کم از

غُورت کم می کردی

می گفتی که دوباره

به سَمَّتم برمی گردی

تلخه چشِ انتظاری

چش انتظارم ندار

میشه توهمِ بذاری

غُورُ یارم کنار

من که به خاطر تو

از غُورَم گذشتم

تو هم به خاطر من

زنگی بزن که خستم



سَرَمْ نَوَازِشَايِ

دَسْتْ تُو رو كَمْ دَارَه

دَلْمْ خَيْلِي گَرْفَتَه

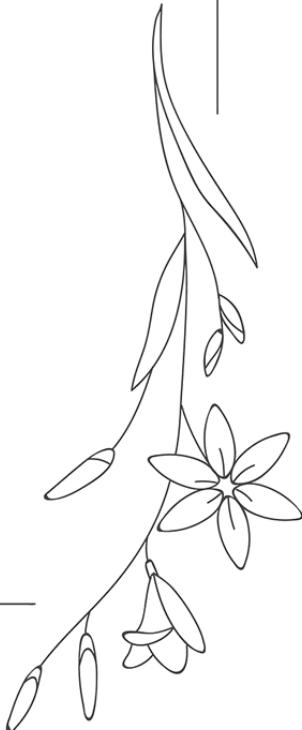
عَشْقَمْ بَيِّ تُو غَمْ دَارَه

بَرْگَرَدْ بَه بُودَنِ تُو

مَنْ خَيْلِي دَارَمْ نِيَاز

جَرْأَتْ نَمِي كَنَهْ غَمْ

بَا تُو بَه قَلْبِمْ بِيَادَه



پشیمونی

هیشکی به جُزِ خودِ تو

از دل خبر نداره

رفتی که گریه من

رو تو آثر نداره

از دلِ عاشقم وُ

از تو خیلی شاکیم

از انتخابِ بدش

که داده بَد بازیم

به خاطر تو دلِ

عاشقمُ شکستم

زنی که مثل تو نیس

دلانه



وای چرا پات نشستم

زنّی که با په دل

شکسته رفت و نموند

دلم شکسته چون که

یه قلب پاک شکوند

حق دل مَنْم نیس

یه عالم پریشونی

اینهمه باشه غمگین

چه فایده پشیمونی

تنها خدا می دونه

قلب من چه می کشه

خدا چرا زِمون

مرگ من نمی رسه

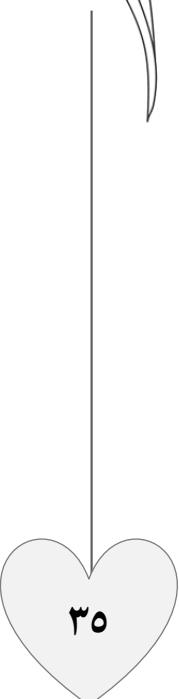
کاشکی می شد زَمُونُ

به عَقَبِ بَرَگَرْدوَنَم

خیلی بی کَس شدم هِی

حِبِرون و سَرَگَرْدوَنَم

دلانه



بیمار

اصلًا مگه میشه

تو فِکرِ تو نَرفت

رفتی که چشامُ

عادتِ بدَم به اشک

کی میگه که یه مردِ

گریه نمی‌کنه

من می‌گم که این حرف

یه حرف بیخوده

به چشم یه مردِ

عاشق که خیره شی

بعدش تو به حرف



دلانه

بگه چه نامردی

حتّی نمیتونه

ساده ترکش کردی

بیمار تویی که

از یاد تو غافل

نمیشه، بیماره

اما دل عاشق

خیلی خود آزاره

فکر به تو بیخوده

بدیرش می کنه

جالبه می دونم

حالم بده فکرت

قلب من می رسمی



شکستنِ قلبُ

بَد تجربه کردم

هرگز نمی‌تونم

برگردم به قبلم

رُسوای من کرده

چشم همیشه خیس

رُسوای عالمَم

واسه کسی که نیس

دو راهی

قدات بشم الھی

میگن که تو گمایی

عزیزم پاشو آزخواب

دلي که تنگه دریاب

گلم دورت بگردم

هنوز باور نکردم

میمیره دل نباشی

گیرکردم تو دوراهی

آزم اجازه میخوان

اعضاتِ اهدا کنم

عشقم دلم نمیاد

دلانه



برگه رو امضا کنم

به کی اعضاٰت میدان

به کی میدان قلبتُ

چه جوری باور کنم

عزیز دل مرگِتُ

نمی‌تونم و خیلی

سخته تصمیم بگیرم

یعنی دیگه نمیشه

چشم تو رو ببینم

لحظه‌هایی که سرَم

رو میداشتم رو تختِت

هرگز فکر نمی‌کرم

عزیز دل به مرگِت

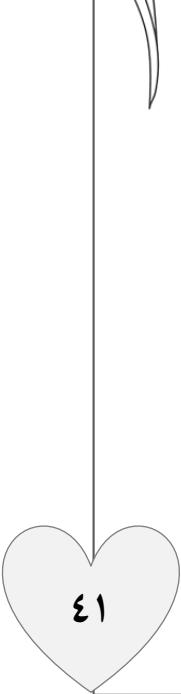
برای آخرین بار

دست تو رو می‌گیرم

خدافظ نازینِ یار

من بعدِ تو می‌میرم

دلانه



شوک

صِدایِ پایِ پاییز

صِدایِ خِشِ خِشِ برگ

بدونِ تو دلم رو

می‌کشِه به سمت مرگ

تو یه غروب پاییز

عشقُ تجربه کردم

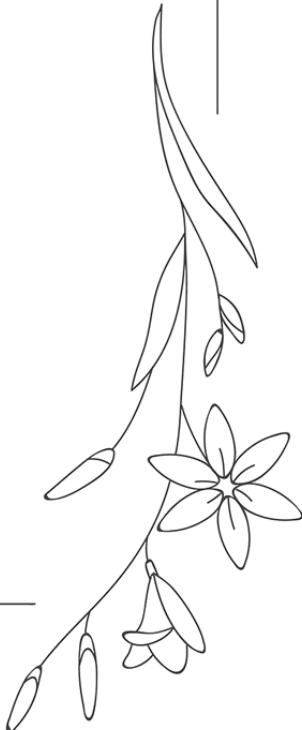
تا چشمِ چشمِتُ دید

نشست مهرت به قلبم

چه خاطرات خوبی

واسه دل رقم زدی

چه حالی داشتم گفتی



دلانه

عاشق دل مَنِى

لحظَة عَقْدِمُونْ

هرگز يادم نمیره

من کنار چشمونت

شدم آدم دیگه

از دیدن چشمونت

هرگز سیر نمی شدم

عزیزم اگه بودی

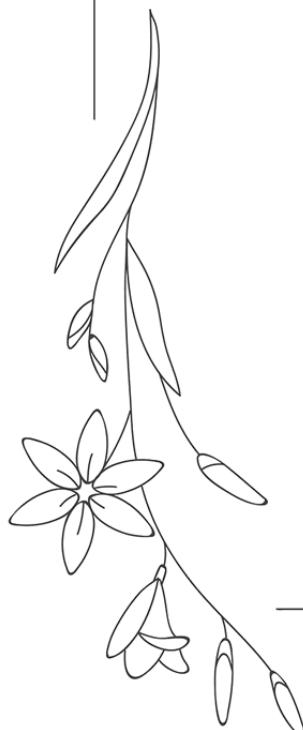
انقد پیر نمی شدم

تموم موهای من

یه شبِه سفید شده

همه دُکْتُرا میگن

از آثاراتِ شوکه





با پرکشیدنِ تو

عزیزم شوکه شدم

باور نمی کنم نه

شبیه مُرده شدم

عشقم و زندگیم

نمی تونم ببینم

حس می کنم که بی تو

همین روز اس بمیرم

یه زندگی خوب

من کنار تو ساختم

با پرکشیدنِ تو

همه چیزِم باختم

نوازشِ دستیت



رسَمْ حس می کنم

کنار مَارِ تو

از غصه دِق می کنم

دلانه

داغ

از پاکیِ احساسِ من
سو استفاده کرد و رفت
از وقتی که رفته گیجم
سوی چشام بُرده اشک
ای کاش مُقابلِ عشقِ
تو یک گمی قوی بودم
اما منم مثل همه
به عشق نمی‌رسید زورَم
نمی‌تونم حواسِم
از سمت تو پرت بکنم
همین باعث شده همش

دلانه

زندگی ادامه بدیه

دیگه دلم حاله به

سرزنش اضافه میشه

تازه اگه از تو بگم

ولی دلم نمیاد هی

همه میگن چرا انقد

تو پیر و شکسته شدی

دل عاشق بذاره داغ

چه جور دلش اومد که رو

و نگاهش تنگ شده آخ

دلم خیلی واسه صدا

حسرت و غصه بخورم



توکمَرِیه عاشقُ

جوری شکستی صاف نشه

چه میشه که خیال عشق

روزی از ذهنم پاک بشه

تو گذشته

یه دل مهربون

شکستی که گناهه

په دلی که هنوزم

خوشبختیت دعاشه

دلی که نمی‌تونه

انتقامی بگیره

دلی که پریشونه

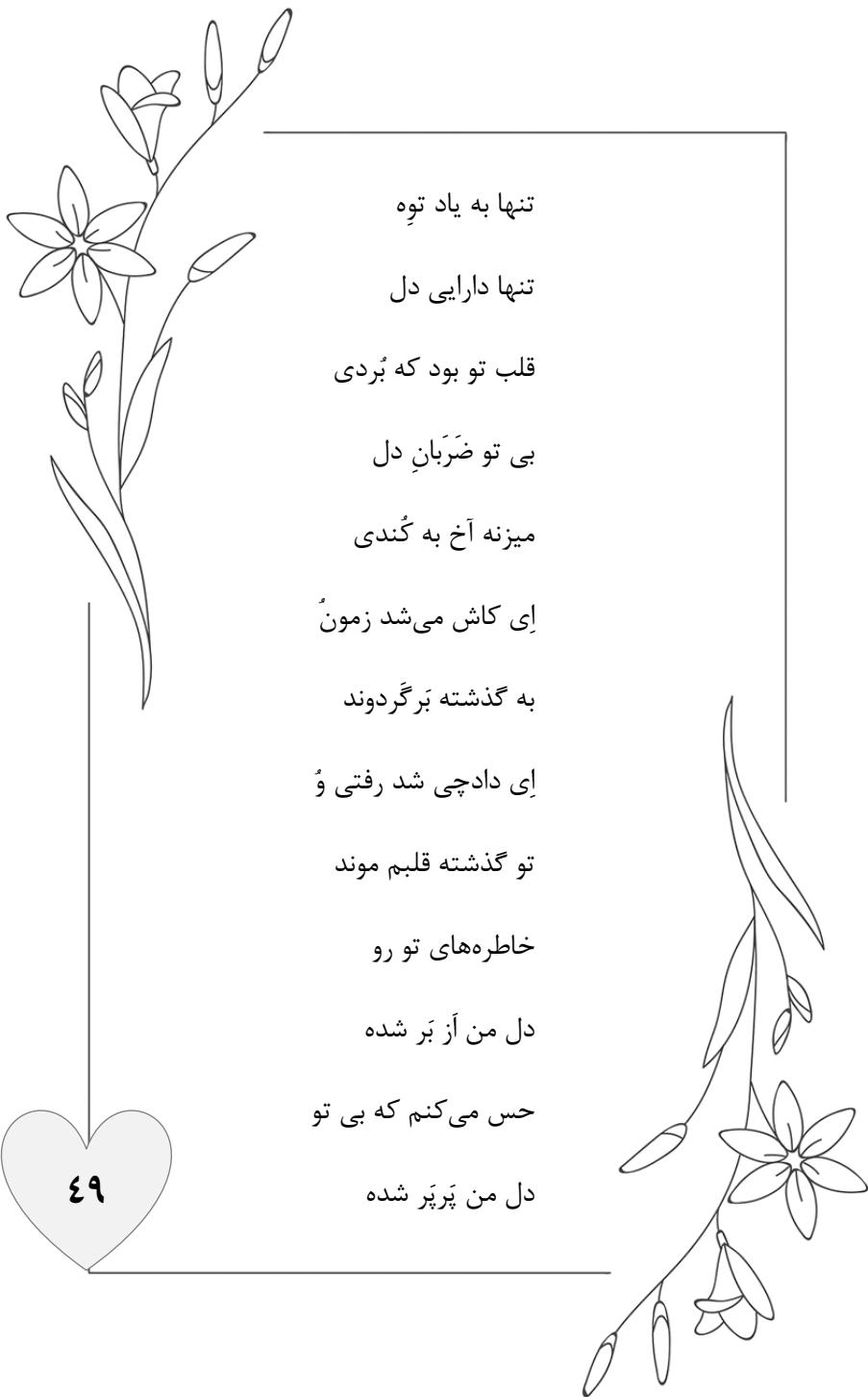
از خدا شه بمیره

دلی که نمی‌تونه

حتی تلافی کنه

نمی‌خوای ببینیش

دلانه



مثّ يه سِرِيالِه که

هی داره تکرار میشه

هرچه کنم فکر من

به سمت دلدار میره

نمی دونم با قلبم

نگاه توچه کرده

که وپرونمِ نشونَش

چشای خیس از اشکه

دلانه

انتخاب

بینِ من و غریبه

یکیُ انتخاب کن

بینِ دو دل یکیُ

حالی ازِ اضطراب کن

دوس دارم انتخابِت

یه مردِ عاشق باشه

یه آدمِ دلداده

که با تو صادق باشه

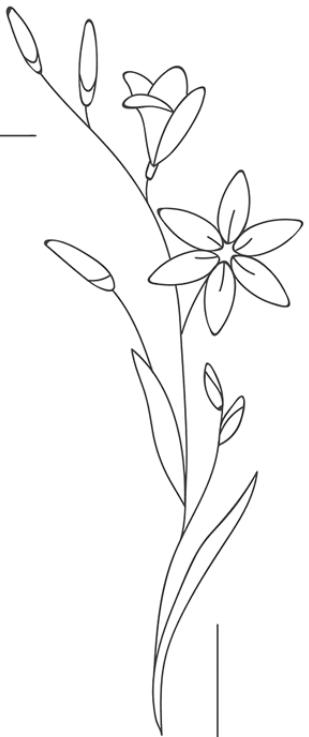
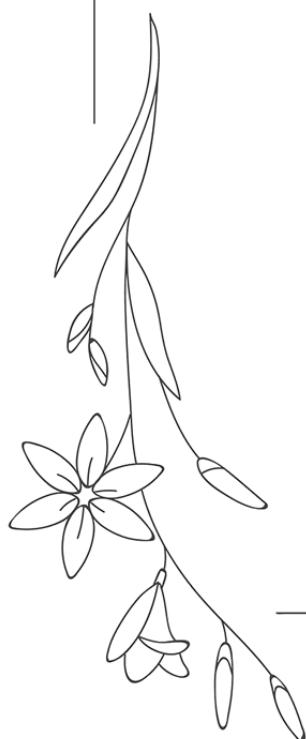
حتّی اگه او ن آدم

عزیزم من نباشم

حتماً خودت دونستی

دلانه

آسییرِ تم، فَدَاتِم
از نگاهت فهمیدم
که دچارِ شک شدی
عشقم آرزو م اینه
غريبه رو دك کنی
از هر چه مُثَلَّثِ
عشقيه بizar شدم
زخمی عشقم واز
عشق توبیمار شدم
می ترسم که عمرم
با تنهایی سر کنم
بی تو هی صورتَم
با اشکِ چش تر کنم





شاید ندونی هر شب

دارم کابوس می بینم

با فکر دوری از تو

آروم آروم می میرم

اگه انتخاب تو

من باشم جشن می گیرم

ولی انتخاب تو

نباشم آخ می میرم

دروغَکو

دلم میخواه چشامُ

رو همه چی ببندم

اشتباهاتِ تو رو

به سادگی ببخشم

دلم میخواه ببینم

تو عوض شده باشی

فقط خدا میدونه

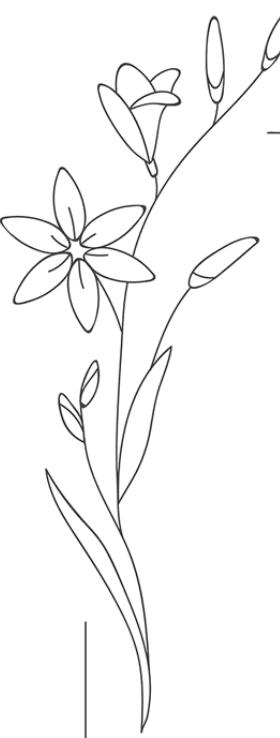
چقد از توأم شاکی

عشقی که تو چشامه

نمیخواستی ببینی

چه میشه کرد چه آخه

دلانه



هر چی کنم همینی

من از دست دُروغات

به خدا ذلّه بودم

دلم هرگز نمی‌خواست

که اینجوری بسوزم

مگه نمی‌دونستی

دروغگو کم حافظس

واسه يه قلب صادق

دروغ مرگ رابطس

تو مرگ رابطه رو

با دروغ رقم زدی

دلم نمیاد بگم

ای معشوق چقد بدی

دلم میخواس که اگه

قراره عاشق بشم

فقط یکبار عاشقِ

یه یار صادق بشم

ولی نشد عاشقِ

یه دروغگو من شدم

پریشونم و اس ئە

دل راستگوی خودم

دلانه

۵۶

قلبِم بِي تو بِي تابِه

مثلِ روح سرگَردون

برگَرد وُ به قلبِ من

آرامِشُ برگَردون

چشمای تَر آز آشَکم

از حالِ بدَم میگَه

با يادِ تو وُ بِي تو

از اين زندگَى سيرِه

قلبِم به تو وُ چشمِ

تو خيلي داره نياز

از قلبِ شِكستَت يه

فرصتِ جُبران می خواهد

وَلَىٰ چه فَائِدَهُ كَهْ تُو

اين فُرَصَتْ نَمِيدَى

بِمِيرَمْ وَاسِهْ تُو كَهْ

از دست من دلگيري

خاطرات شيرين با

رَفَقَتِ خَيْلِي تَلْخَهْ

عاشق بي حضور يار

زندگيش مث مرگه

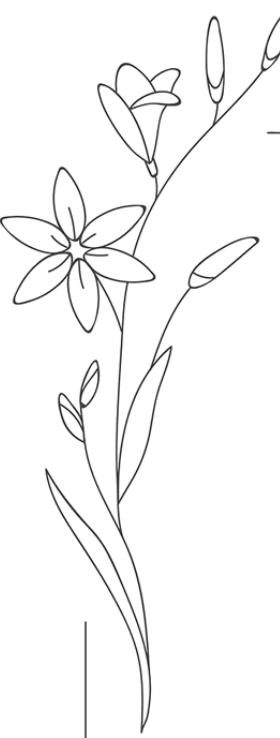
تو قول داده بودي که

تا آبد با من باشى

نتونى برى بي من

يه سَفَرْ به تنهائي

دلانه



با یه گُدورَت داری

زیرِ قولت می‌زنی

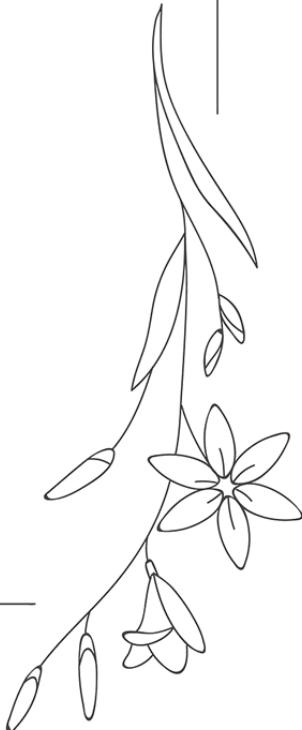
باور نمی‌کنم که

تو این روزا بی‌منی

هر نفَس کِشیدَن

من با یه آه هَمراهِه

فکر نمی‌کردم دِلِ



محنونِ من تنها شِه

احتیاج

واسه کسی که عاشقه

مَرگِه پایان رابطه

خاطره اونو می کُشِه

خاطره مثل قاتلِه

عاشق نمی تونه عشق و

إحساسِش سَرکوب کنه

حال خَرابِش تنها

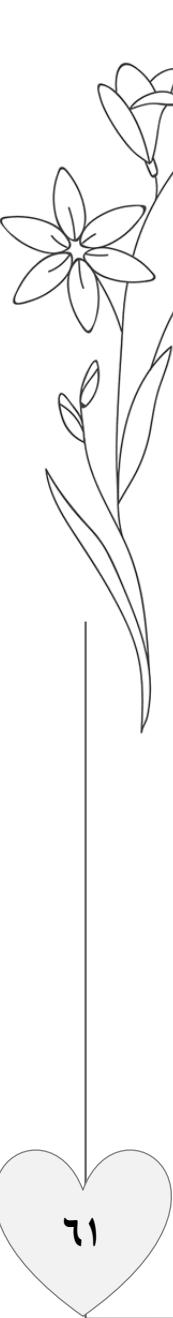
معشوق می تونه خوب کنه

لحظه‌ای که عاشق میشی

یکی همه کَسیت میشے

دلتنگی نباشه پیشِت

دلانه



چشای عاشقت خیسِه

حتی اگه خورُدِت کنه

بهش هیچ چیزی نمیگی

رفتارت عوض میشه چون

به دام عشقش اسیری

نمی تونی احساساتِ

قلبُتْ گُنترل کنى

پریشونی، بی قراری

از نبودِش دلخوری

چشمای بی قرار تو

داد میزَنَن که عاشقی

از تنهایی فراری وُ

مُحتاجِ یه نوازشی



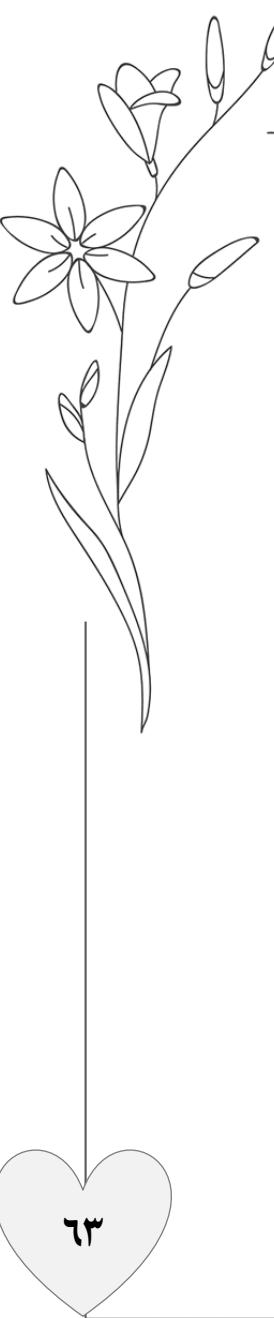
احتیاج قلب تو رو

تنها معشوق رفع می کنه

از تنها بی دق می کنی

رابطه رو قطع می کنه

دلانه



زندون

رُفتی وَلْمِسِ دستِت

بِرامِ په حَسَرَت شده

هَمِه كَسَمْ توهَستِي

دُنِيام چِه خَلَوت شده

هر لحظه و هر جایي

به ياد تو مِيُفَتَّم

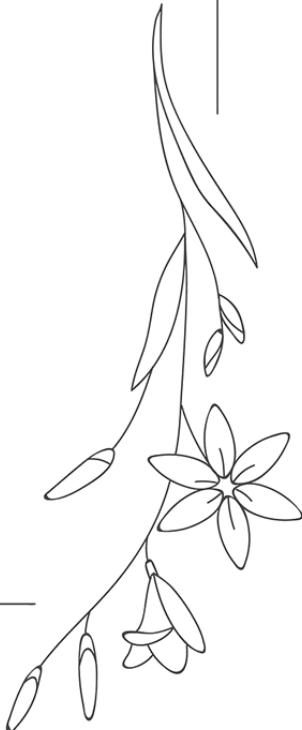
وقتی که می خنديدي

بِراي تو مِيُرَدم

صداي خَنَدَه تو

توی گوشِمه هنوز

چرا به من نَگَفتَي



دلانه

ترکم می‌کنی یه روز

رفتی که تو زندونِ

خیالت زنجیر بشم

گریه کنم پنهونی

با دلم در گیر بشم

این دل بی‌عقلی که

تنها احساس حالیشه

باعث شده هر لحظه

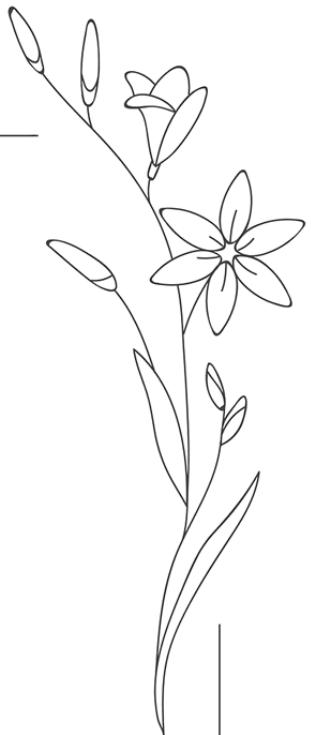
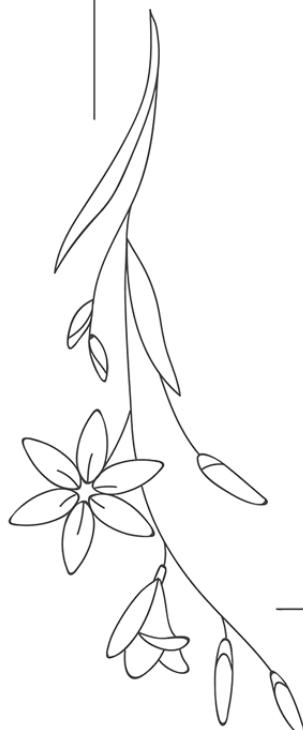
اشک تو چشمام جاری شه

وقتی تو یه رابطه

زخمی عشق پاکی

بدین میشی آخر توبه

ذنیابی اعتمادی





بازیم دادی که بعدش

به ریش من بخندی

کاشکی یادت بمونه

با قلب من چه کردی

ضد زن

(وقتی که دنیای تو

با په نفر پر میشه

ندیدنیش تو رو به

سمت خطر هل میده

تصمیم بگیره واسه

همیشه ترکت کنه

میمیره قلب عاشق

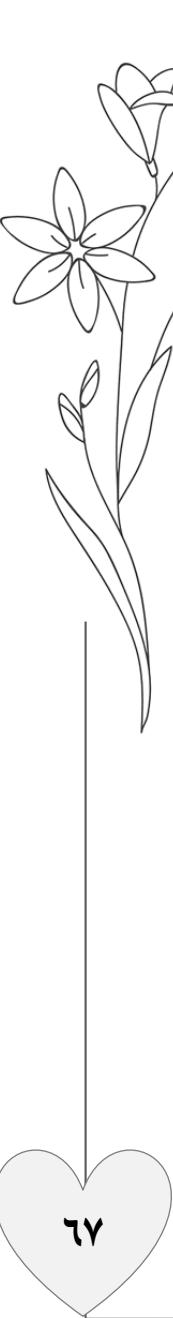
لحظه مرگ توه (2)

عشقم همون کاري که

تو با قلب من کردي

هیبی نمیدونم چیکار

دلانه



کنم سَمَّتَم بَرْگَرْدِی

به دل می‌گم وِلش کُن

ببین حالِ بَدَم رو

ببین از فَرْطِ گریه

پُفِ پایِ چِشم رو

دل به قدری عاشقه

اَصَلًاً حالیش نمیشه

هر کاری می کنم عشق

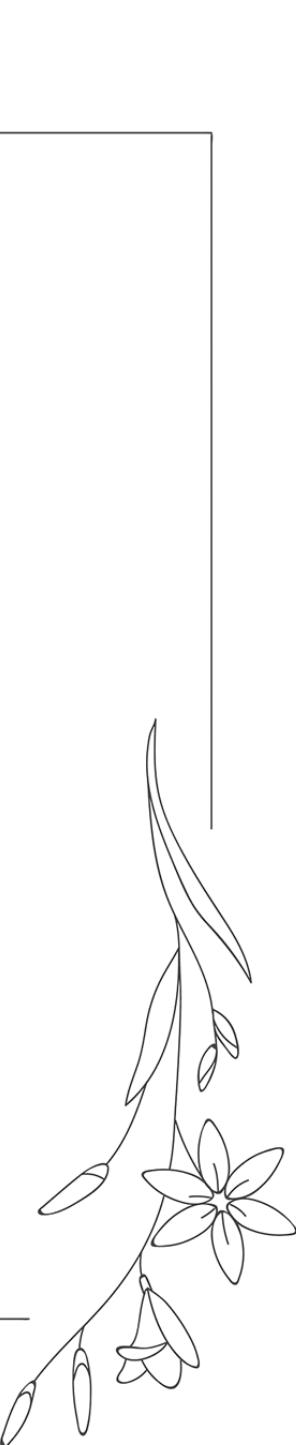
هر گز یادِش نمیره

اگه دست خودم بود

ذَرْدَامُ جار می زدم

به جُرمِ عشق تو آخ

قلبِمُ دار می زدم



مَنْ عَاشَقَ قِبْلِ تُو

إِنْ قَدْ خَشِينَ نَبُودُمْ

هَمْشَ كَارِ تُوهَ عَشَقْ

مَنْ ضِدَّ زَنَ نَبُودُمْ

دَلَانَه

ترک

میادِ یه روز که قلبِت

بَهْوَنْمُ می گیره

اغراق کنی که قلبت

بدونِ من می میره

چه کردی با دلم که

از تو می گه هر لحظه

دل فهمیده که بی تو

زندگی خیلی تلخه

گُناهِ قلبم چِیه

ترکش کردی و رفتی

همش یادت می‌فتم

دلانه

حس می‌کنم تو هستی

خداحدا می‌کنم

پشیمون شی برگردی

قولِ مردانه کسی

نمی‌فهمه بد کردی

فکر نمی‌کردم تو که

از من عاشق‌تر بودی

منو با چشمای تَر

تَرگَم کنی یه روزی

چشمای تَرمُ به

در و گوشی می‌دوزم

تنها خدا می‌دونه

از بی کسی می‌سوزم



نورِ چشم، عشق دل

چشم انتظارم ندار

کوهِ غمّم، نشکنم

برگرد کنارم نگار

مُزاحِم

یه روزی عِشِقِت بودم

آلَّا شدم مُزاحِم

از نگاه قلب من

من مظلومم تو ظالِم

چی شده که جوابِ

پیامامْ نمیدی

می گُشِه منو یادِت

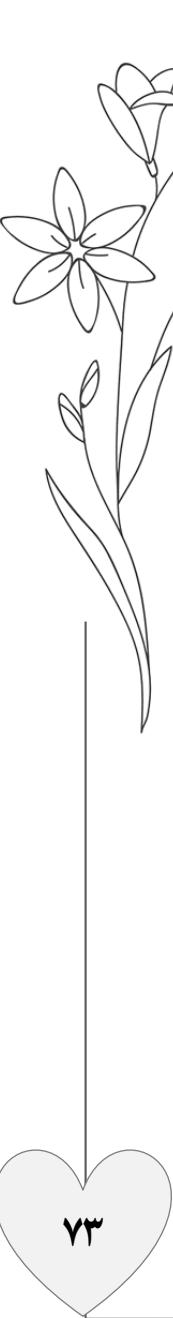
چرا چیزی نمیگی

قصیرِ دلم چیه

چرا نمیگی چی شده

رفتی که یه دیوونه

دلانه



با یادت زندگی کنه

تو نمی‌تونی جایِ

دل من تصمیم بگیری

من پریشونم یارم

ولم نکن تو اسیری

خواسِ دل من از

خيال تو پرت نميشه

علاقَم کم نميشه

ياد تو از قلبِ نميره

مُزاحم تو نيستم

من عاشق تو هستم

نذاري وقتی بیاى

سراغِ من که رفتم ...



رفتم از دنیا بی که

بی تو هیچه واسه من

بعد مرگم چه فایده

بیای سر خاک من

دلانه

مثل تو

دوس دارم مثلِ خودیت

با دلیت رفتار کنم

اما بعدش چه جوری

کنار بیام با خودم

نمی دونم چی شده

به سمت من برگشتی

پریشونی می دونی

به قلب من بدرگردی

شاید رابطه ما

شیوهِ قبیلش نشه

از لحظه‌ای که رفتی

أحوال قلبي بدیه

حس می کنم که بی تو

قد سد سال پیر شدم

کاری کردی که دیگه

بدم بیاد از خودم

کاری کردی نمی خوام

صدات هم بشنوم

ولی مثل تو نیستم

دل تو رو بشکنم

تو که رفتی من موندم

بایه دل شکسته

چقد اشک ریختم، سوختم

با من چه کرد گذشته

دلانه



خاطرات گذشته

جُلو چشم رَد می شد

یادِت می فتادم وُ

حال دلم بد می شد

می بخشمت ولی نه

نمیشه یادم بره

نمی تونم عزیزم

بینم حالت بده

ناز

چرا نمیشه از تو

به سادگی بگذرم

حتّی واسه تو دل

هم حاضرم بشکنم

هزار دفه واسه تو

میمیرم زنده میشم

یه عاشقم که بی تو

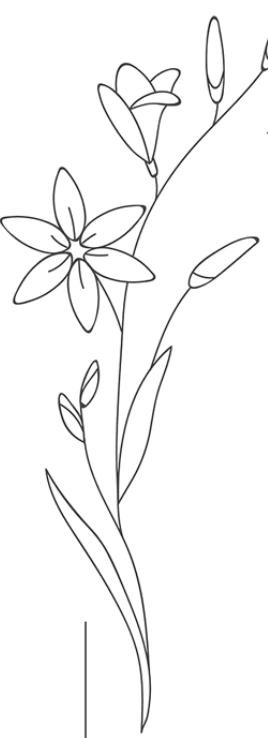
درگیر چشم خیسم

عزیز دل هر چه که

ناز تو بیشتر میشه

نمیدونی دو چشم

دلانه



عاشقم خیس تَر میشه

دلم نمیاد بگم

کمتر کنی نازِتُ

ترسَم په چیزه بُری

بَدتر کنی حالمُ

به دیدارایِ کوتاه

بایدِ اکتفا کنم

به جای اینکه تو عشق

یه دم اشتباه کنم

نمی خوام کاری کنم

بری واسه همیشه

که بی تو می میرم تو

کَتِ قلبم نمیره

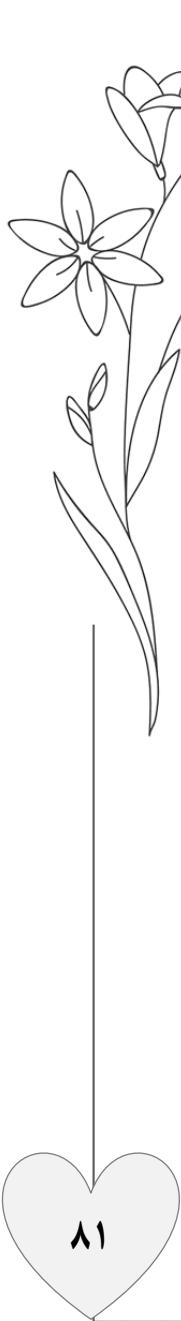
حس می کنم که دلم

به دل تو وصل شده

می میره رابطشُ

با دل تو قطع کنه

دلانه



دل عاشق

همیشه با خودم می‌گم

بدارخودش زنگ بزنه

شبیه من که عاشقم

بگه که دلتنگ منه

اما دل عاشق می‌گه

غورتُ بدارکنار

حتّی اگه دلیت پُره

تو گوش بدِه به خواسته‌هاش

دل عاشق می‌گه بهش

نشون بده عاشق‌تری

تو به خاطرش حاضری



دلانه

از خیلی چیزای بگذری

دلم می‌خواهد بش بگم

قد دُنیا دوسيش دارم

من می‌میرم اگه بخواه

پا بذاره رو احساسم

غورو لعنتی برو

آز سَرِ راه دل کنار

برو دلم نمی‌خواهد

برو بذار بگم به یار

بذار بگم که نباشه

دنیابی ارزشه واسم

جهان من دو چشمماشه

مُردم واسه یه نگاشم



انگاری عشق اومده که

بگه إنقد مغور نباش

احساسی که تو دلمه

میگه حتی بمیر براش

کابوس

بذار دلم باور کُنَه

دل تو هم تَنَگِ مَنِه

می خواهد ولی نمی تونه

به گوشیم زنگ بزنه

گفتی یه مُدّتی به تو

زنگ نَزَنَم، پیام نَدَم

رفتی چه جوری می تونم

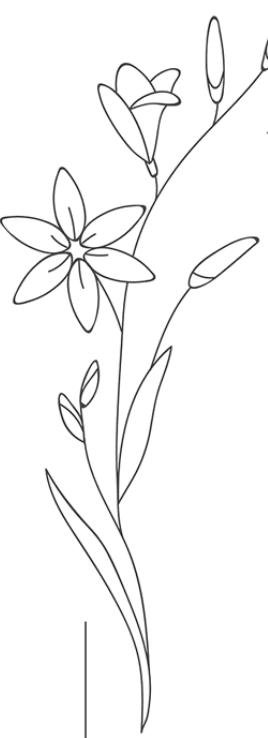
بِت بِگم از حال بَدَم

تو رفتی و نمی دونی

مث دیوونه‌ها شدم

چشم خیسِه پریشونم

دلانه



هی حرف می‌زنم با خودم

می‌ترسم از اینکه تو رو

از دست بدم به سادگی

کابوس من اینه بُری

از قلب من به راحتی

دقیقه‌های لعنتی

حال بَدِ منو دیدن

خیلی به آرومی مثّ

لاک پُشتا به جلو میرن

فقط خدا و خود تو

با خبرین از حال دل

لطفاً اگه میشه من وُ

قلب منو نکنین ول

عاشقیم که توی عشق

مث گرگ بالون دیدم

واسه اینه که با یاد

تو یه خُردِه آروم میشم

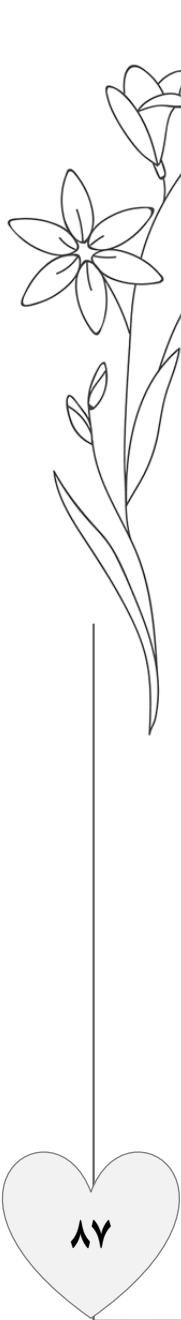
از وقتی که چشم تو رو

دیدم و به عشق رسیدم

سرد و گرم عشق تو رو

زیباترینم چشیدم

دلانه



ترس

اولین باره که قلبيم

واس ئ كسى ميلرزِه

اما اين عاشق تنها

از گفتن بهش مى ترسه

هزاران مرتبه ميشه

تا ذرخونشون ميرم

اما واي لحظه گفتن

لکنت زبون مى گيرم

عشق تومعناي حس

دلتنگى رو به من فهموند

قلب پر احساس من رو

دلانه

به بهونه تو رنجوند

تازه دارم می‌فهمم که

یه عاشق چیا می‌کشه

با غما در گیره دائم

تا که به عشقش می‌رسه

کاشکی چشای قشنگش

می‌تونست چشم خونی کنه

بی اینکه حرفی بزنم

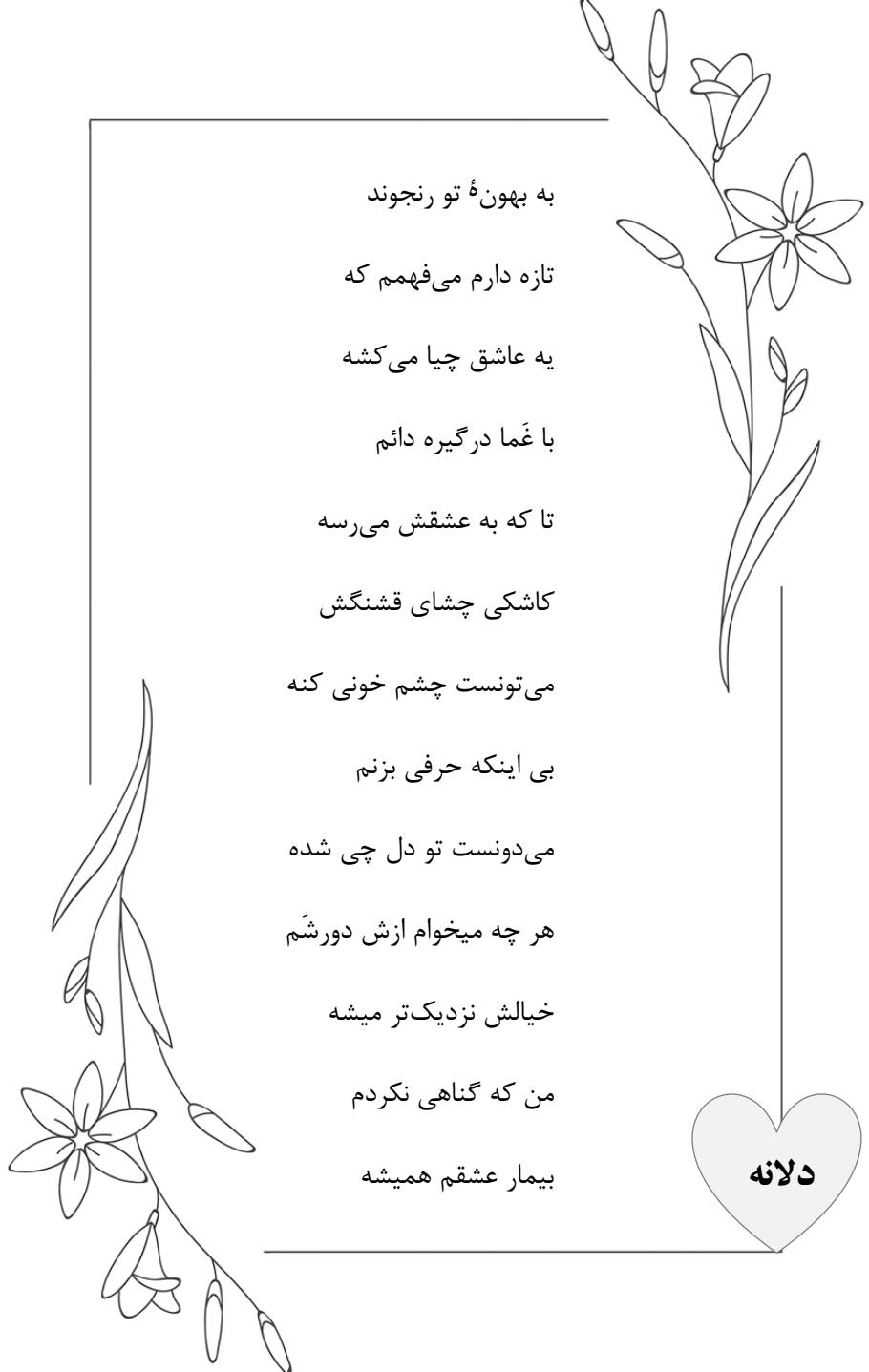
می‌دونست تو دل چی شده

هر چه می‌خوام ازش دور شم

خيالش نزديک تر ميشه

من که گناهی نکردم

بيمار عشقهم هميشه





یه روزی میرم رو دَر روش

چشمامُ محکَم میَبندَم

سکوتُ میشُکنَم بَعْدِ ش

میگم با قلبِم میَجنَّگم

میگم از اون روزی که من

تو و دو چشماتُ دیدَم

بیخود از خود شدم ای وای

تُوی یه دنیای دیگَم

نرو

می خوام بِهْت فکر نکنم

نمیشه نه نمیتونم

بیا به دیدنم که از

نَدیدَت پَریشونم

احساس قلبیم به تو

همونه عوض نشده

فراموش کردی عشق من

فَرْمُونِ دل دستِ تِوه

تو بهتر از هر کسی از

احساس دل خبر داری

ولی نفهمیدم چی شد

دلانه

چرا قَصِدِ سَعْرَ داری؟!

میگن می خواهی بُری جایی

نتونم پیدات بکنم

بِرَحْمَى آخه نباشی

چه جوری شیدات بکنم؟!

می دونی که قلب عاشق

بِي چشمت از پا درمیاد

دیوونس با خاطرات

می میره إنصافِت كُجاس

نَرُو يه مردِ عاشِقُ

عزیزم به كُشتَن نَدِه

به حرف قلبه گوشِ بدِه

می بینی چه حالم بَدِه

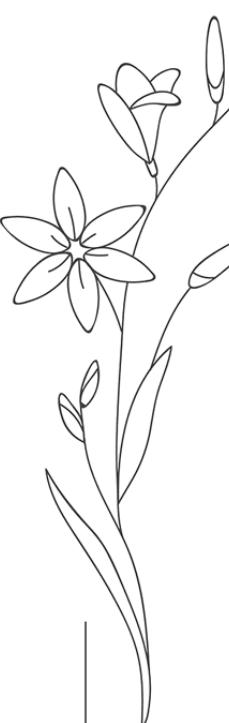
پیام قلبم بخون

نذار بمیرم از جنون

به خاطر خدا شده

کنار قلب من بمون

دلانه



فاصله‌ها

چشمای عاشق تو

آزم گلایه داره

حرفای تو عزیزم

طعمِ کنایه داره

دلم می‌خواه چشامُ

رو همه چی ببندم

بازم مث گذشته

به سادگی بخندم

چرا منو محروم از

گرمای عشق می‌کنی

چرا سر هر چیزی



دلانه

عشقمون کم میداری

عشق دلم وای برا

حِرصمُ درمیاری

دست خودت نیس آما

تنها آرامش می خوام

آرَّتْ توى زندگى

مجنون چشم زیبام

از اوّل گفته بودم

یارت بشه روانی

عشق دلم نذار که

قلب منو نداری

مث قديم هوای

حرص می خوری بیخودی



زیر یه سَقْفِیم ولی

با یه دنیا فاصله

خاطِرِت نیس می گفتی

فاصله‌ها قاتلِه

مث گذشته‌ها با

مهربُونی نگام کن

منو یه بار دیگه

عشقم جونم صدام کن

من حاضر م

کاری نکن که عشقتُ

پیش همهِ إنكار کنم

بازی نَدِه دلم رو که

روی حرفم اصرار کنم

بانو تو میدونی که من

یه آدم صفر وْ صَدَمُ

یا با یکی خوبم یا که

برای همیشه بَدَم

نذار که روی بَدَمُ

به چشم تو نشون بدم

چشات دیوونَم می‌کنه

دلانه



چقد اینو به تو بگم

بی خیال عشقت شدن

یعنی بی خیال همه

بی تو سهم قلب عاشق

از عاشقی تنها غمه

من حاضرم غرورمُ

لِه کنم زیر پای تو

که باورت شه جونمُ

میدم واسه چشای تو

من حاضرم هرچی دارم

به پای چشمت بریزم

اما تو رو هرگز بانو

همراه کسی نبینم

بی توأم

آی تو بی که قلب تو

شکسته از دست من

رفتی نیستی شاهدِ

شکستن قلب من

با حال بد رفتی که

هر لحظه دل بشکنه

ای کاش می‌شد قلب تو

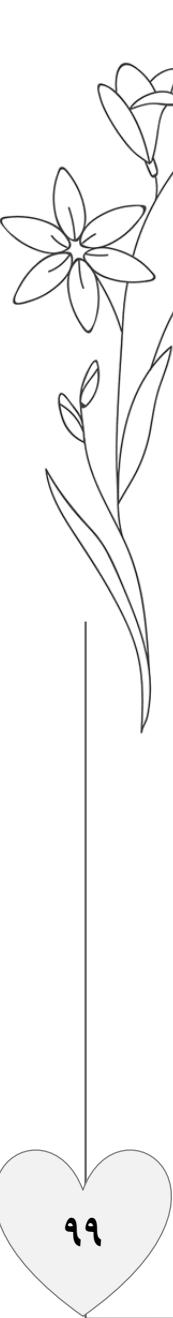
حَرْفِ دُلْ بشنوه

تو رفتی که قلبمُ

یادت مُجازات کنه

دنیا بی تو واسه من

دلانه



دارِ مُكافات شده

ای یار نبینم تو رو

دل می‌میره از غصّه

نذار که دیدار مون

به قیامت بیفته

با گریه رفتن تو

دلُ دیوونه کرده

شاید ندونی بی تو

دلم میدونِ جنگه

توی دلم رفتنت

چه غوغایی به پا کرد

زَدِ به سَرْم مثل يه

بُمب توی شهر صداکرد



قصه رفتن تو

پیچید همه جای شهر

انگار که تو دل من

می‌ریختن یه کاسه زهر

اگه می‌موندم تو شهر

دیوونه‌تر می‌شدم

زدم بیرون از اون شهر

افسوس عشقم بی توأم

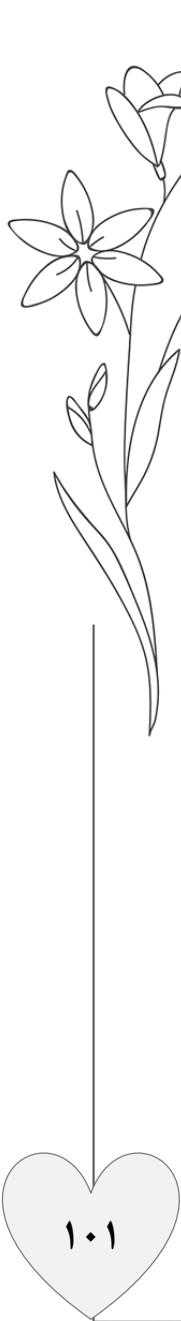
بی توأم آما یاد

تو همیشه پیشمه

حسرت قلبم تو رو

یه بار دیگه دیدنه

دلانه



جلوی تو

اینکه هَوَامْ داری

مَنْ هَوَاتُ دارم

بِی توهَمَش دنبالِ

یه دیدار دوبارم

يعنى عاشِقیم آما

به همدیگه نمی گیم

يعنى حاضریم حتّی

برای هم بمیریم

اگه می خوایم آخرش

دو دل به هم برسه

یکی از ما باید از



دلانه

غُرورش دَس بکشه

آرزومه يه لحظه

غُرورمُ وِل کنم

واي جلوی تو بگم

بدجوري عاشق شدم

لعت به زَبونی که

پیشِ تو بسته میشه

قلیم گولم میزنه

میگه يه روزِ دیگه

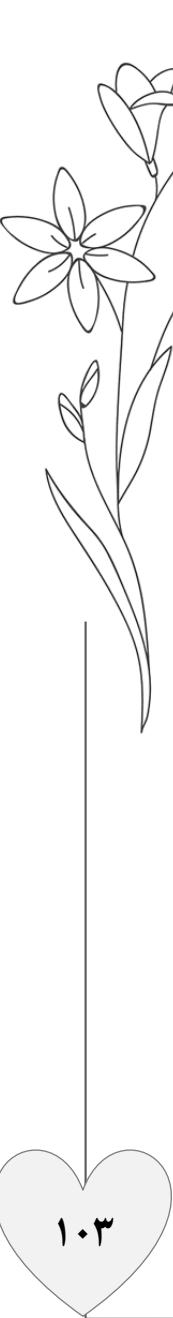
چه جوري عاشقیمُ

به قلبت ابراز کنم

از روزی عاشقتم

چقد بد خودخواه شدم





می خوام که خالی کنم

خودم تو اس ام اس

اما همچ می گیرم

اوه یهويي استرس

می گم بعدش چي ميشه

اگه از دستش بدَم

میندزارمِش گوشی

ميشه تر هر دو چشم

نمی تونم از عشق و

از عاشقی بگذرم

ولی دوس دارم اوّل

از خود تو بشنوم

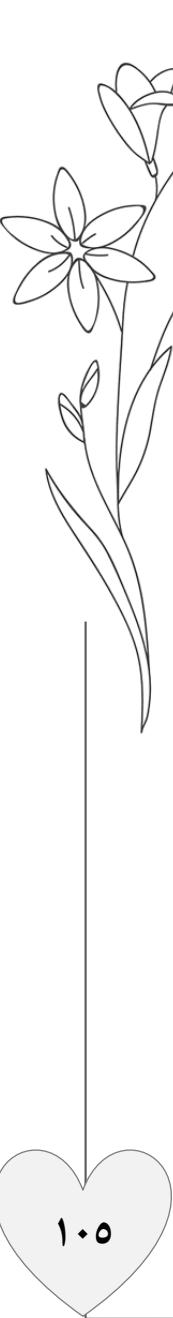
بگی حرف دلت رو

بگی عاشقم هستی

بگی غیر من عشقم

به هیشکی دل نبستی

دلانه



حس

عطر تو رو حس می کنم

از راه دور، از توى قبر

رفتی که دیگه تو دل

مجنون من نمونه صبر

نوازش دست تو رو

حس می کنم روی سرَم

خيالتُ عشق دلم

حس می کنم دور و برم

شبيه مُردم و عطِر

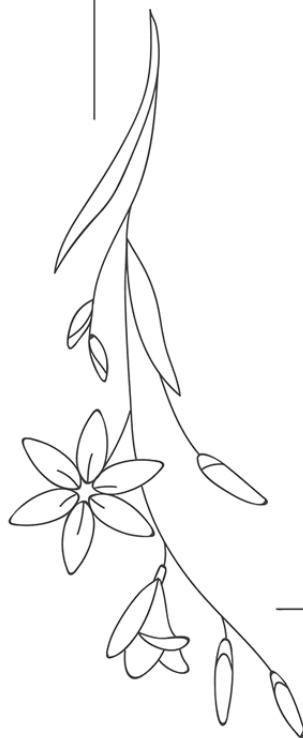
تو نفس مصنوعيَه

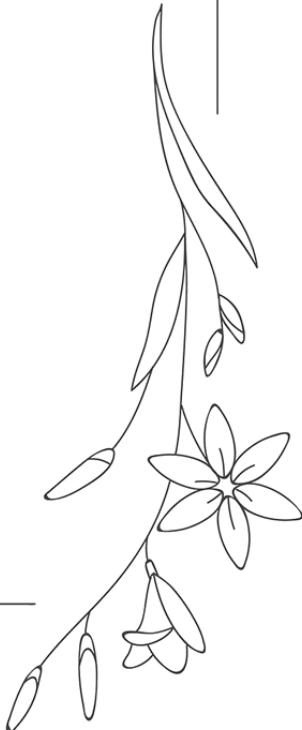
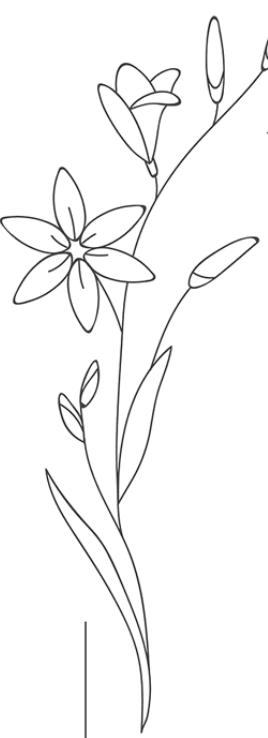
دل عاشق من بى تو



دلانه

تو قَفْسَه، زندونیه
خونُه عاشقت شده
یه گوشه از مزار تو
خواهشم از خدا اینه
بمیرم در کنار تو
عشق من و تو شبیه
عشق لیلی و مجنونه
قلب عاشق من بَعْدِ
رفتنت به مرگ محکومه
دلم میخواد اونایی که
عشقُ تو دل تو کُشتن
با نامهربونی تو رو
هُل دادن به سمت مُردن





بيان ببینن و فقط

از ما خجالت بکشن

اینا کاری کردن دو دل

وای به هلاکت برسن

گناه من و تو مگه

به غیر عاشقی چه بود

لعنت به شرایطی که

به انتخاب ما نبود

کشور عشق

قصه عشق باید

از مادری شنید که

با گریه بچش به

جههه برد که شهید شه

از مادری که وقتی

فرزند اون شد شهید

حتی جنارش هم

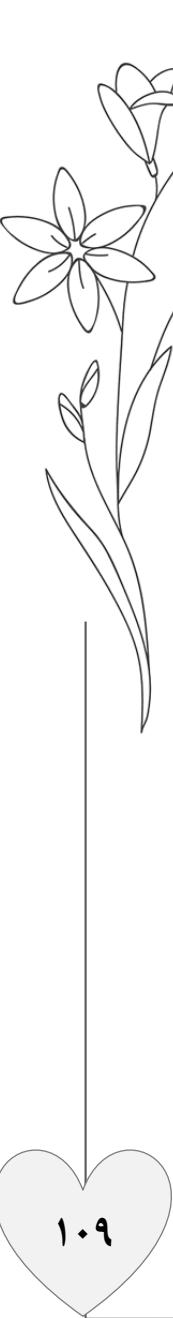
به چشمای خود ندید

داغ فرزند دیدن

کمتر از شهادت نیس

خوابشون ببینی

دلانه



هر شب با چشای خیس

عشقُ با شهادتِ

فرزندانش معنا کرد

خودِ خدا بوسِه به

دو چشماش و دستاش زد

ایران کشورِ یه که

پُرِه آز این قصه‌ها

جهان غِبْطه می‌خوره

به کشورِ عشق ما

از تَهِ دل می‌گیم که

ایران کشورِ عِشقه

سرسیز و چِشنوازه

زیبا مثل بھشتہ

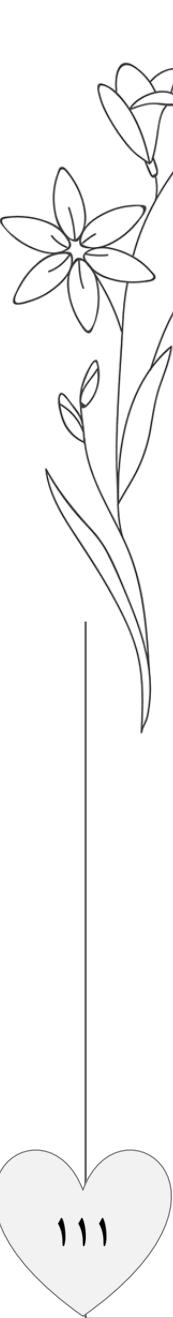
دعای هر ایرونی

اینِه صُلح جهانی

ای کاش بشه یه روزی

بَرآورُدِه إِلَهِي

دلانه



یه غریبه

عاشق شدم ولی عشق

با قلبِ من بَد تاکرد

یه مردِ مُنزَوی رو

نهایاتِ آز تنها کرد

فکر می کنم به کسی

چیزی نَگم بهتره

ولی نمیخوام عمرَ

با بی کسی بِگذره

دلم می خواهد که عشقش

از دل من حُدا شه

خدا بذار برگردم



دلانه

به زندگی دوباره

حس می‌کنم خواب بودم

عاشقی بیدارم کرد

ولی چرا آخ چی شد

واسیه چی بیمارم کرد

تا به خودم او مدم

دیدم دلم پیشِم نیس

عاشق یکی شدم

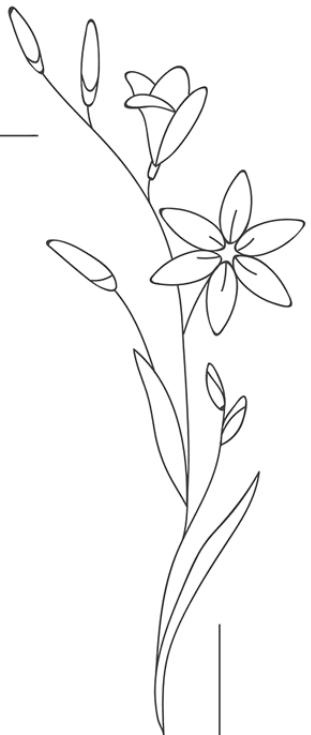
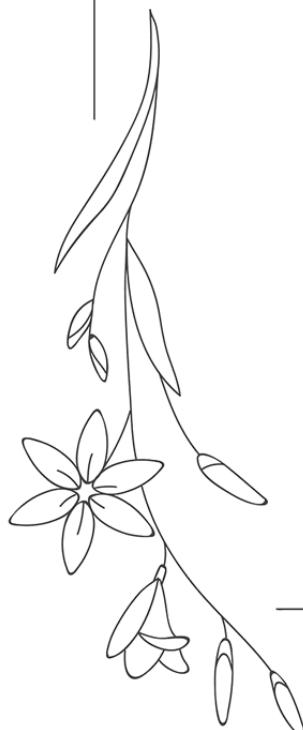
چشام شدن خیس خیس

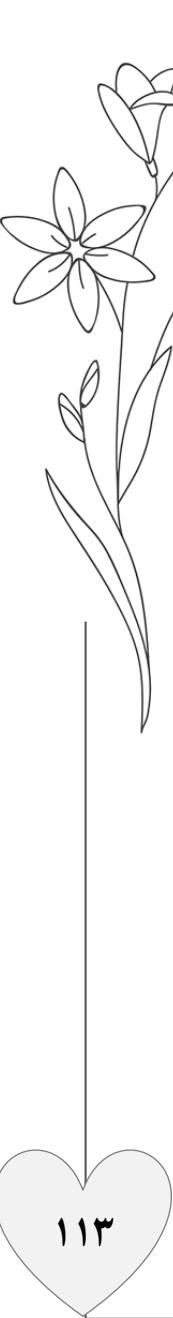
به جُز خدا کسی رو

نمی‌دیدم کنارم

چه می‌کردم جز اینکه

با این حالم بسازم





ولی دیگه سَخَتمَه

نمیشه نمیتونم

ببینم که واسه یه

غريبه پريشونم

يه غريبه که وقتی

از حالم گفتم بهش

دل منو شکست وُ

بيزارم کرده از عشق

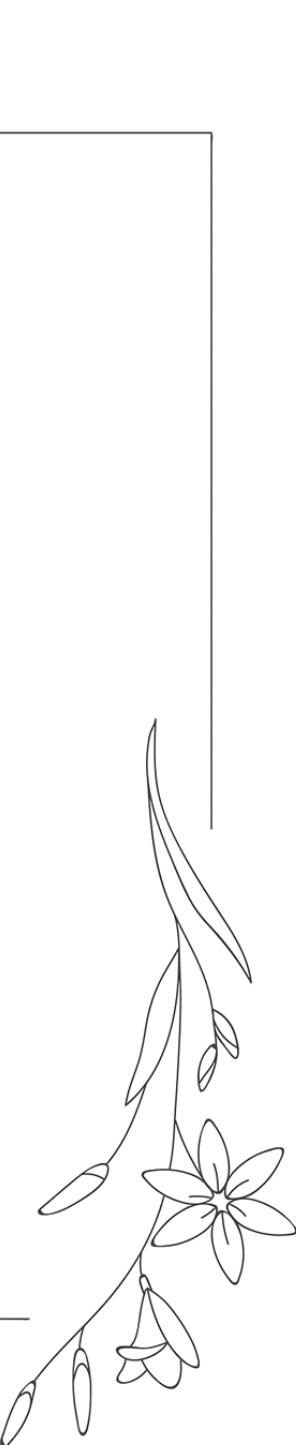
تصوّرِ من از عشق

به کُلی ريخته به هم

تَحَمَّلْمِ کم شده

به کي دَرَادُم بگم

عشق او مرد و خلوت



قلیم از من گرفت

ای خدا دل شکسته

آخه چه بگم به عشق

از آینده می ترسم

یه حال ساده می خوام

احوال دل گرفتس

یه حال تازه می خوام

دلانه



غفلت

سازِ دلم جلوی چشمای تو کوک میشه

حال دلت خوب باشه احوال دل خوب میشه

فکر نمی‌کردم یکی بیاد همه کسَم شِه

زندگیم عوض بشه یکی عشق دلم شِه

قصّه عشقمون با نگاه تورقم خورد

تا از دل غافل شدم چشای تو دل بُرد

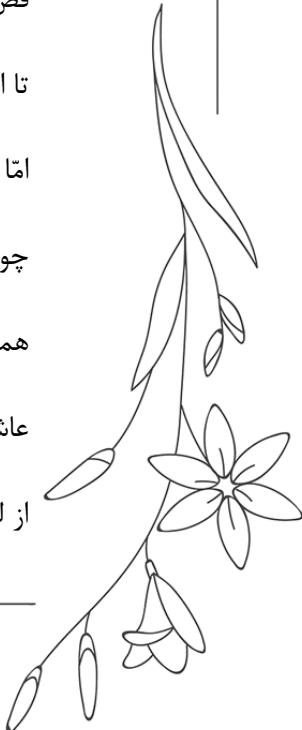
اما از این یه لحظه غفلت پشیمون نیستم

چون عاشقی مثل من عشقمُ به پات ریختم

همش میگم تا باشه از این غِفلتا باشه

عاشقی توی متن همه قصّه‌ها باشه

از لحظه‌ی نابی که به عاشقی رسیدم



می خوام همه هستیم به پای تو بریزم

به پای چشم زیبا به پای قلب عاشق

فدای قلب تو که همیشه با مه صادق

دلانه

انتقام

یه بخشش ساده رو

باینتقام کِش نَدِه

می‌میرم بدون تو

عاشقِتْ دِق نده

چه اِنتقامی بَدتر

از ندیدن تو یار

برای عاشقی که

به عشق توه دُچار

نذار حسرت دیدار

روی دلم بمونه

یه عاشقم که دل با

دلانه

بودن تو جَوُونِه

چقد پیام بدم که

یکیشونْ بخونی

همین روزاس که بشم

از نَبُودِت رَوْونِی

به قلب عاشق من

فرصت جبران بده

ببخش گناه دلُ

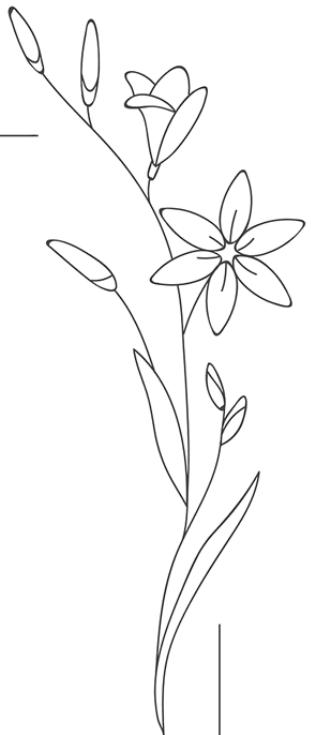
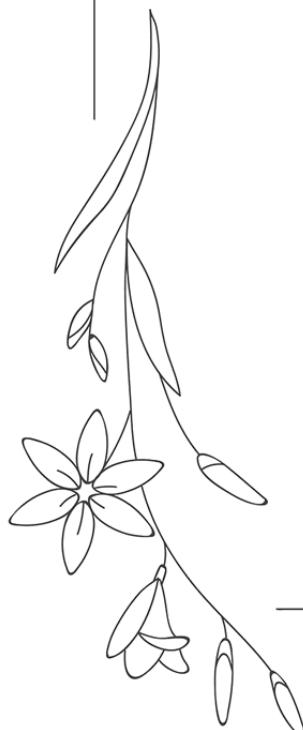
دوباره بِش جان بِدِه

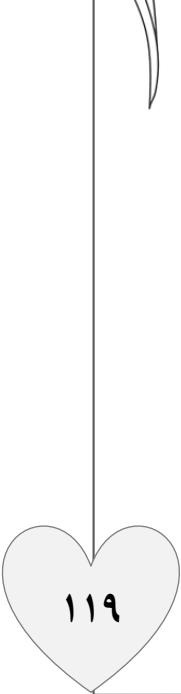
پریشونم و هیشکی

نمی فهمه حالمُ

رفتی تو دلم ریختی

هرچی غم عالمُ





سفر

مرگ بین من و دل تو

یه دنیا فاصله انداخت

قلبم بی تو با وجودِ

یه دنیا خاطره تنهاست

قلبم با خاطرات تو

داره زندگی می کنه

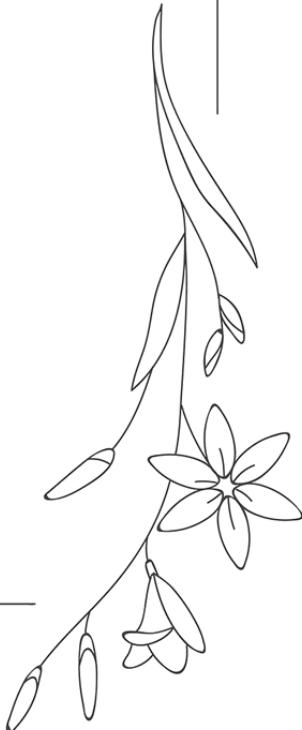
اما نداردیت و هی

حس تشنگی می کنه

تو مایه آرامش و

نشاط قلب من بودی

چکار کنه عاشق تو



دلانه

چرا رفتی به این زودی

حتی آجل مهلت نداد

خدافیظی کنم از تو

تنها شدم و از خدا

تنها یه چی می خوام مرگ

بی تو کی می تونه منو

به آرامش برسونه

خیسه این چشمون عاشق

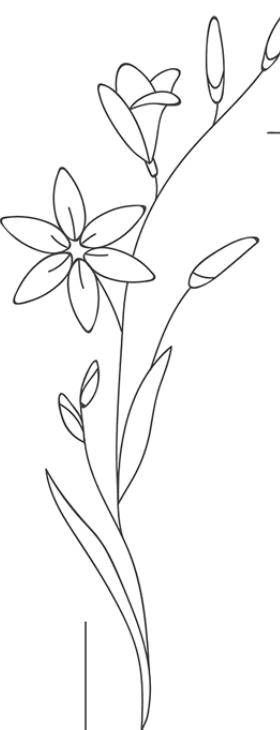
یه چشمم اشک یکی خونه

دنیابی حضور یارت

ارزش دیدن نداره

این حرف دله که تو عشق

کرده چن پیرن پاره



فکر نمی‌کردم این سفر

سَفَرِ آخری باشے

که تو پیش منی گلِم

تو رفتی یارت بیماره

دیگه از هرچی سفرِه

حال من می‌خوره بهم

لعنت به سفر که زده

مرگِ معشوقُمْ رقم

داغ عشق

هنوزم توى بارون به ياد تو مىفتم

كه دوست دارم بت آز ته دل مى گفتمن

من مغورو جلوی چشیت کم میاوردام

حس قلبیم به تو من به خیلیا گفتمن

همه به من میگفتند دارم الکی می گم

مگه باور می کردن و اسه کسی می میرم

انگار باید می رفتی تا بدونن راس می گم

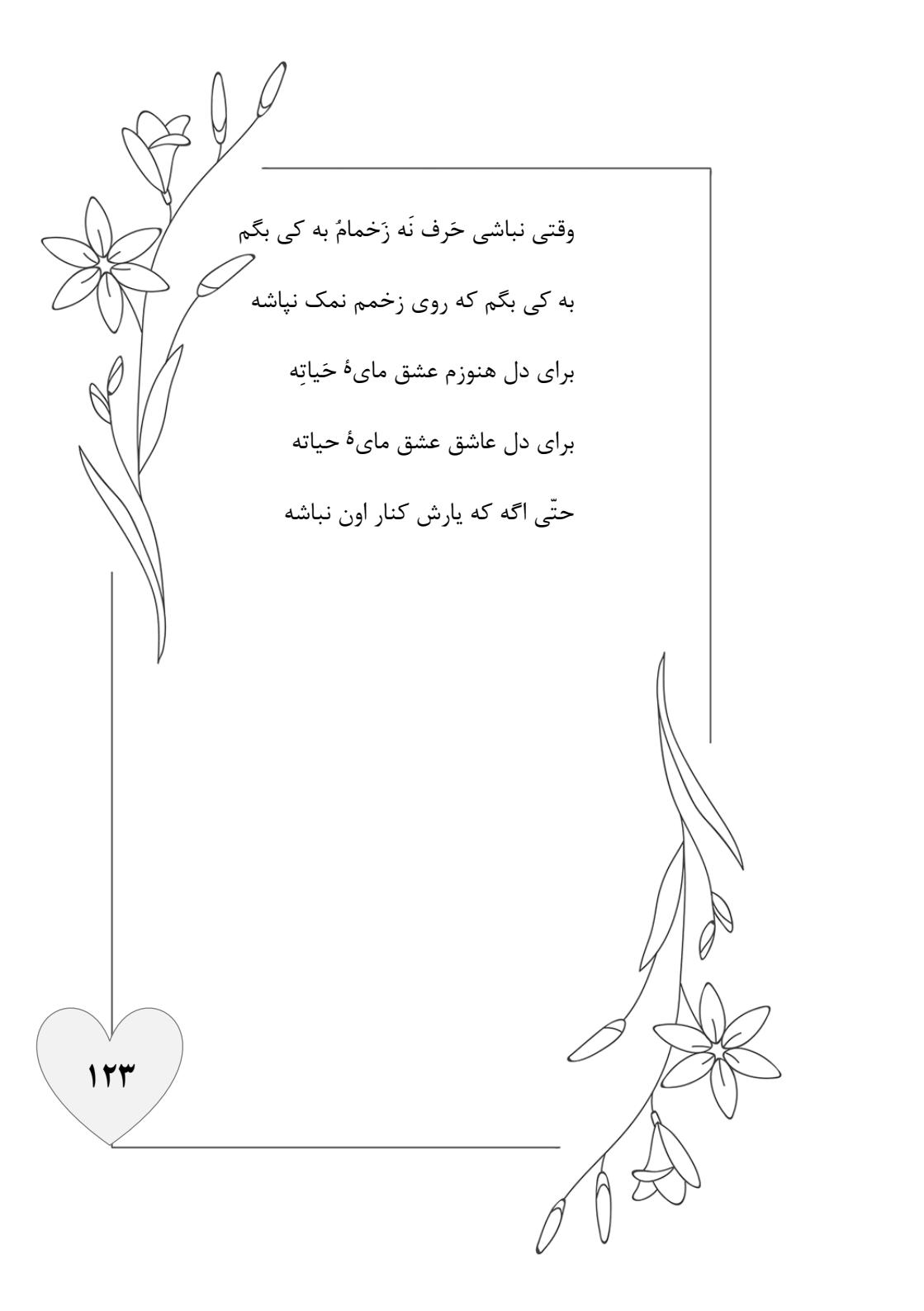
اما مهم نیس دیگه و اسه دل داغدیدم

تو دوست دارم شاید باور نکردی

كه توى فصل پاییز و اسه همیشه رفتی

رفتی و داغ عشق گذاشتی روی دلم

دلانه



وقتی نباشی حَرْف نَه زَخَمَّ به کَی بَگَم

به کَی بَگَم کَه روی زَخَم نَمَک نِپَاشَه

برای دل هنوزم عشق مای هَيَاٰتِه

برای دل عاشق عشق مای هَيَاٰتِه

حتَّی اگه که یارش کنار اون نباشَه

عطر عشق

عطرِ عشق نمیشه

از کسی پنهون کنی

حرف دل عاشق

تو دلت زندون کنی

دیگه همه فهمیدن

دل پیش یکی گیره

میگه چشای عاشق

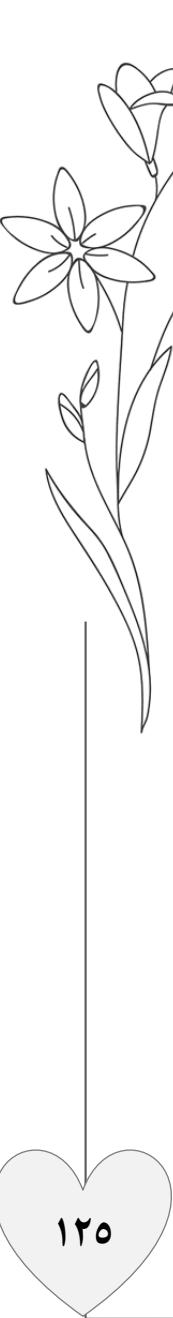
دل بی نگاش میمیره

ب دور از نگاه تو

بیقراره قلب من

پس گوشیت بَردار وُ

دلانه



به دلدادت زنگ بزن

یه وقتایی صدای

دلم خیلی زیاده

گرفتن دستای

تو واسه من نیازه

واسه آروم کردن

دل عکسات می بینم

خاطرات زنده میشه

جون تازه می گیرم

نمادِ آرامیشه

چشمای تو واسه دل

دل با تو حالش خوبه

تنها با تو جانِ دل



لحظه‌ی آشنازی

خواستی که درکت کنم

اگه سخته برای

همیشه ترکت کنم

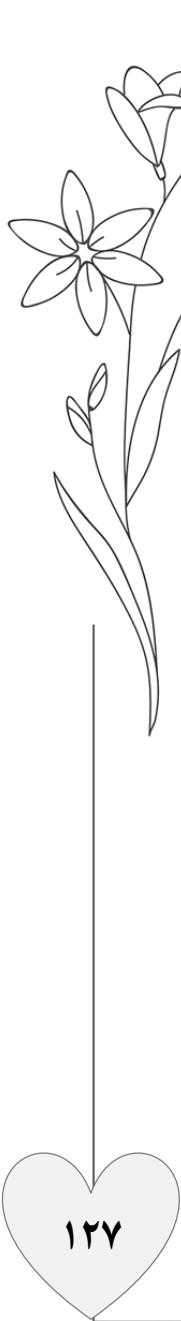
پس من باید که پای

قولم به تو بمونم

این تنها یی نباید

کم کنه از جُنونم

دلانه



قاتل

هیشکی عاشق دل

شکسته من نمیشه

نیستی با رفتن تو

از قلب من غم نمیره

آخرش خاطرات

قاتل دل من میشه

واسه احساس پاکش

واسه رفتنت جون میده

(آهای بانو کجایی)

قاتل دل شمایی

چه عاشقونه کردي



آخ دلم هوايي ۲) ترجيع بند

دلم محکوم به حبسِ

آبد توی دلته

نمی دونست جای عشق

هوس توی چته

روزی هزار بار دلم

می میره زنده میشه

بونه چشمات هی

میگیره تشنه میشه

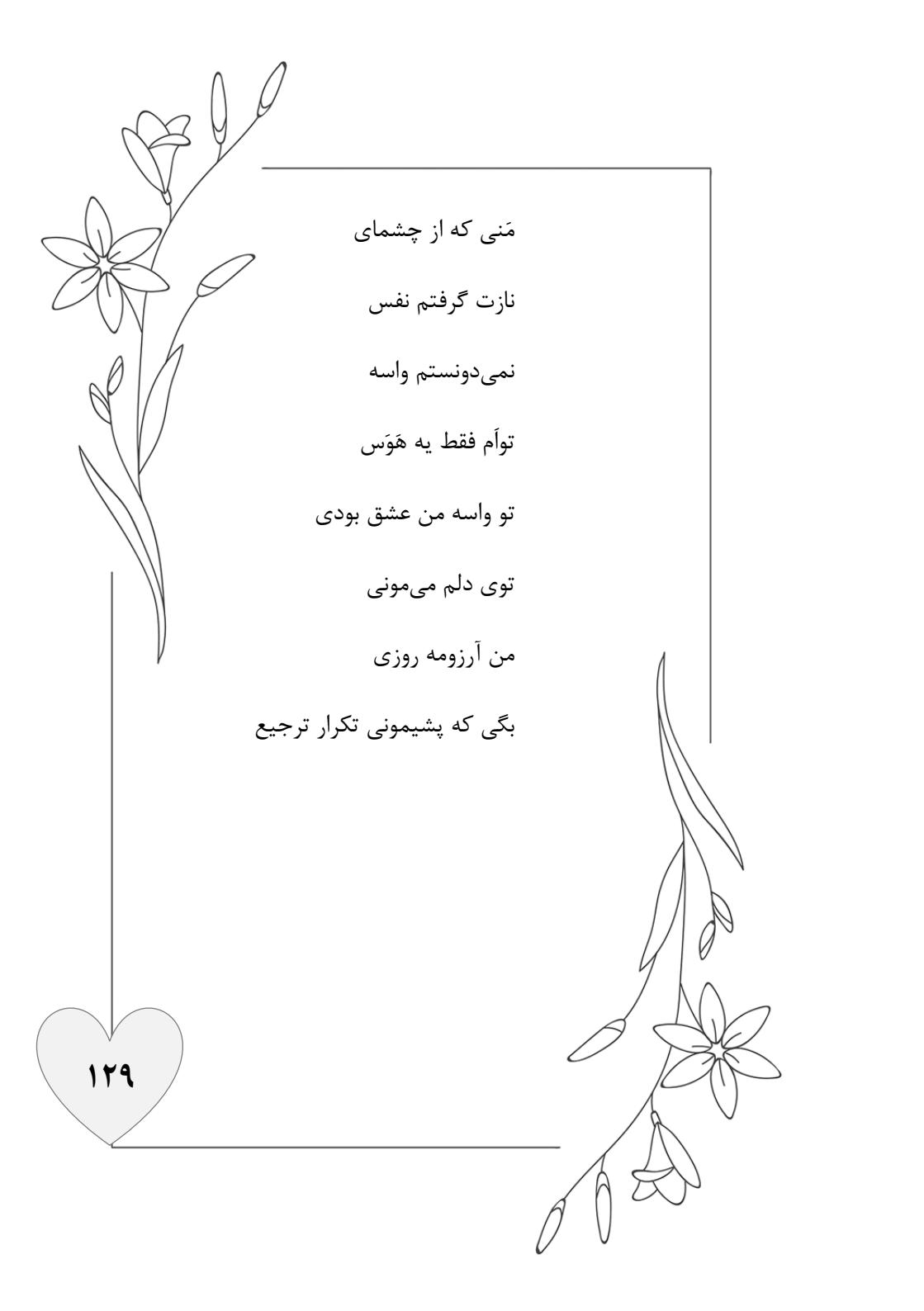
رفتن یکباره

تو منو شکسته کرد

همه به من میگن که

چه با خودت کردي مرد

دلانه



منی که از چشمای

نازت گرفتم نفس

نمی دونستم واسه

توأم فقط یه هوس

تو واسه من عشق بودی

توى دلم می مونی

من آرزومه روزی

بگی که پشیمونی تکرار ترجیع

دلتنگی

با عشق تو دونستم

واسه يه دل عاشق

از لحظه عاشقی

سخت میگذره دقایق

دلتنگی واسه کسی

که تا حالا ندیدی

عشق چی میکنه با دل

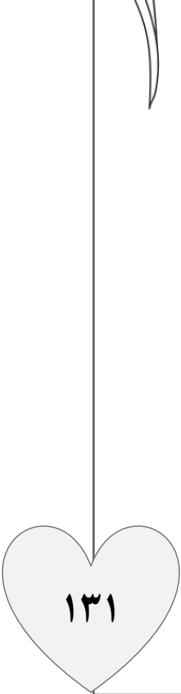
چه احساس غریبی

آرزوی داشتن

آرامش میکنی

یادش همش باتوه

دلانه



کی بودی و کی شدی

یه آدمی شدی که

دلتنگیشی هر لحظه

تو عاشقی و اینا

از تأثیرات عشقه

لحظه‌ها رو می‌شمری

که ببینیش دُردَکی

وای حتی نمی‌دونه

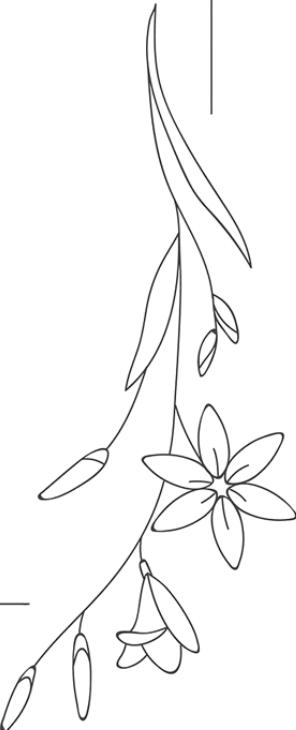
اون غریبه مُردشی

باید حسّم بگم

به کسی که دنیامِه

آره حتی اگه این

دل عاشق رُسوشه



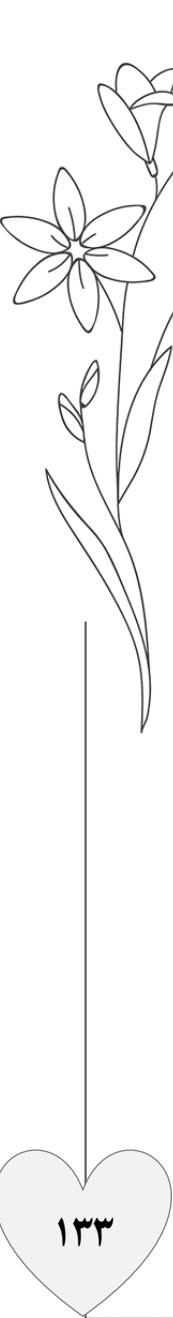
میخوام که دیدن یار

یواشکی نباشد

حتی اگه دلم آخ

به دست عشق فناشه

دلانه



اشتباه

{دوس دارم تو رو عشق صدا کنم

حتی اشتباش اشتباه کنم

این اشتباه هی تکرار کنم

رو اشتباهم هی اصرار کنم ۲ }

تا لحظهای که باورم کنی

شاید خدا خواس عاشقم شدی

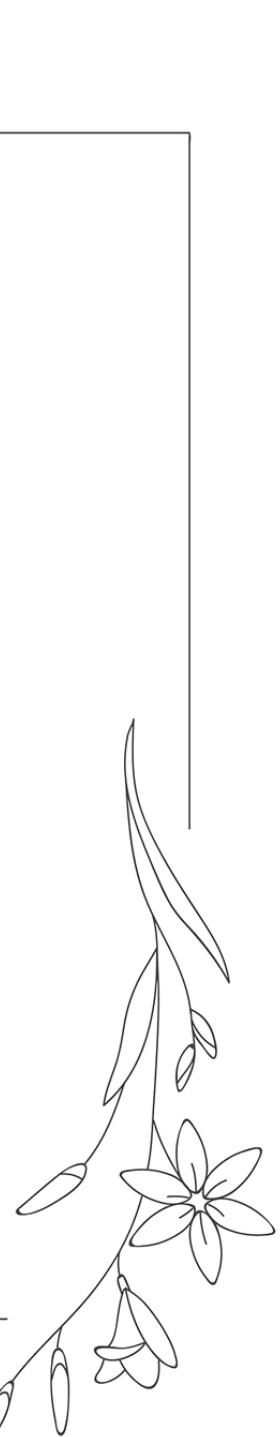
خدا تو عشقُ به دلش بنداز

بدار بخونم عشقُ از چشم‌ماش

ای کاش دعامُ اجابت کنه

عشقم به قلبش سرایت کنه

تو زیباترین اشتباهمی



کی میاد بگی تکّیه گاهی

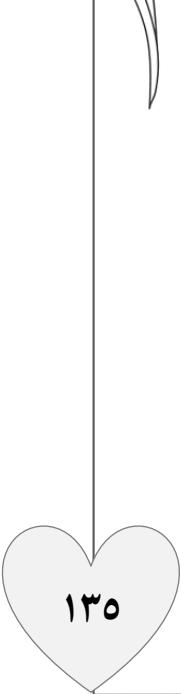
آرزوی و می خوام از خدا

یار جونیم بهم نگه شما

فاصله بین دلا نباشه

تا دل از شر غما رها شیه

دلانه



شباہت

همین که دیدمت گفتم

شباہت اتفاقی نیس

همین حادثه واسه یک

شروع تازه کافی نیس!

یکی با بیوفایی رفت

منو تنها گذاشت با اشک

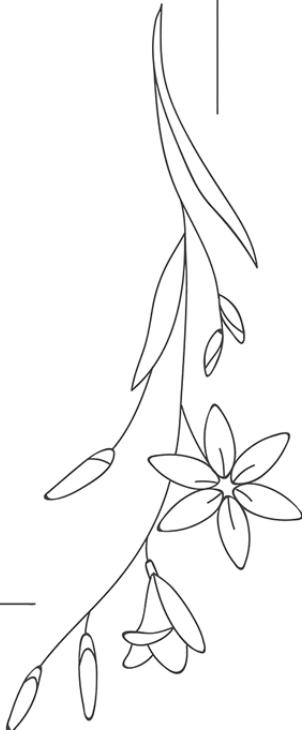
یکی با مهریونی هاش

گفت عاشقی هنوز زیباس

یکی منو تو چاه انداخت

با بیمهری بد آزرم

یکی منو با دو دستاش



از توی چاه درآوردم

(هر باری که جلوی دو

چش زیبات می‌شینم

غوغاییه درون دل

نکنه خواب می‌بینم ۲) ترجیع بند

وقتی با این تشابه

ظاهری مُواجِه شدم

تصمیم گرفتم با خودم

آشتی دوباره کنم

خدامرسی که هستی و

داری هوای قلبم

به موقع می‌رسی دادم

باش و از پیش من نرو

دلانه